



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

# شکست به قدر

گفتگو با محمد مهدی سیار

شعر: از مسیری که در وادی شعر داشته‌ای بگو و از انجمن‌هایی که با آن‌ها در ارتباط بوده‌ای.  
سیار: از همان سال‌های سوم و چهارم دبستان که اولین شعرها را در کتاب‌های فارسی می‌خواندیم یکی از سرگرمی‌های من این بود که با دست کاری این شعرها، بیت‌های طنزآمیز بسازم یا به تقلید از آن‌ها با وزن و قافیه کلنجار بروم. یادم است که یک منظومه سی - چهل بیتی بر وزن شاهنامه درباره جنگ‌های رستم گفته بودم (۱) یا سوره‌های کوتاه قرآن و بعضی احادیث معصومین را ترجمه منظوم می‌کردم.

نقطه عطف این آغاز در تابستان سال ۷۵ (زمانی که دوم راهنمایی را تمام کرده بودم) اتفاق افتاد. من به طور اتفاقی وارد یک انجمن ادبی چهار - پنج نفره دانش آموزی شدم که یک مربی پرورشی تازه وارد خوش فکر راه انداخته بود. «محمدحسین تقوایی» که خدا هر کجا هست به سلامتش بدارد، یک تنه هم کلاس تجوید و قرانت برگزار می کرد، هم احکام و



عقاید، هم مسائل سیاسی روز و هم انجمن ادبی و همه این کارها را هم با ذوق و دقت تمام انجام می داد. محور مطالعات ما (که توسط ایشان پیشنهاد می شد) آثار شاعران انقلاب و به خصوص مرحوم قیصر امین پور بود (هنوز وقتی می بینم باید از لفظ «مرحوم» قبل از این اسم استفاده کنم کامم به شدت تلخ می شود). یکی - دو سال بعد، از همان جمع به اضافه چهار - پنج نفر دیگر یک انجمن دیگر تشکیل شد که آقای «اسماعیل حسین زاده» آن را می گرداند. هنوز هم تعجب می کنم که چطور در یک شهر کوچک ده - پانزده هزار نفری (زاهدشهر فسا) یک جمع جوان و نوجوان که باتوق شان مساجد شهر بود با آن جدیت و شوق و ذوق کار ادبیات و مطالعه جریان های ادبی روز را دنبال می کردند. شب شعر راه می انداختند، گاهنامه ادبی چاپ می کردند و... حتی در تهران هم یک چنین جمعی با چنین ویژگی هایی بسیار کم می توان سراغ گرفت. در همان سال ها به انجمن شعر و ادب شهرستان فسا که توسط «دکتر محمدحسین بهرامیان» اداره می شد هم رفت و آمد داشتیم و از محضر ایشان هم استفاده می کردیم.

**شعر: پس از ورود به دانشگاه و در تهران با کدام محافل ادبی تعامل پیدا کردی؟**  
سیار: این قطعه مرحوم سیدحسین حسینی که

شاعری وارد دانشکده شد  
دم در

ذوق خود را به نگهبانی داد

شاید در مورد خیلی از دانشگاه ها صدق کند و این آفت گریبان گیر خیلی از بچه های انجمن کوچک ما هم شد. اما دانشگاه امام صادق (ع) انگار از این جهت کاملاً برعکس است. روز اولی که وارد دانشگاه شدم (سال ۸۱) خیلی برایم جالب بود وقتی پلاکاردی را دیدم که در آن کسب رتبه های برتر جشنواره شب های شهر بور را به چهار تا از دانشجویا تبریک گفته بودند: مهدی غابدی، فاضل نظری، علی محمد مؤدب و سیدرضا محمدی.

این جا به هر حال دانشگاه اول علوم انسانی کشور است و هم شاعر در آن زیاد پیدا می شود (البته قطعاً فضای سبز کم نظیرش هم بی تاثیر نیست) و هم مخاطب های خوبی برای شعر دم دست آدم است. در کمتر دانشگاهی می توان شب شعرهای سه - چهار ساعته با سالن پر از جمعیت آن هم بدون استفاده از موسیقی و... برگزار کرد.

شاید به دلیل حشر و نشر با دوستان شاعر دانشگاه (که حالا هر کدام شان نام های معتبری در ادبیات کشور به حساب می آیند) رغبت چندانی به رفت و آمد در سایر جلسات ادبی تهران پیدا نکردم، جز یکی - دو جلسه که در مقاطع مختلف برگزار می شد. مثل جلسات شعر آیینی حوزه هنری تهران یا حلقه شاعران عدالت خواه که بچه های مجله سوره سابق (راه فعلی) بودند.

**شعر: کدام یک از شاعران انقلاب بر تو و شعر تو تأثیر گذاشتند؟ و چه طور؟ فقط مضمون کارهای شان برایت مهم بود یا زبان و قرم و نظر شان به افق هنر معاصر جهان و یا چیزهای دیگر؟**

سیار: همان طور که گفتم من مطالعه شعر انقلاب (و به طور کلی شعر معاصر) را از سیزده - چهارده سالگی و با مطالعه آثار قیصر شروع کردم. در مورد مزیت های شعر قیصر در این چندماهه آن قدر صحبت شده که فکر می کنم دیگر نیازی به حرف اضافه من نباشد. فقط این را بگویم که انتخاب قیصر برای من صرفاً یک انتخاب ایدئولوژیک نیست، بل که مهمترین چیزی که مرا به سمت شعر او می کشاند لذت ادبی است که از آثار او می برم، لذتی که در باقی اشعار معاصر کمتر به این درجه یافته ام. از شاعران نسل دوم نیز محمدکاظم کاظمی را بسیار می پسندم. زبان نجیب، طنز ظریف و نگاه دردمند او همیشه برای من دوست داشتنی بوده است.

**شعر: متون برجسته ادبی و تاریخی و معارفی را چه قدر مطالعه می کنی؟**

سیار: به هر حال به اقتضای رشته تحصیلی ام (که فلسفه باشد) دائم با متون و موارث فرهنگ اسلامی (به خصوص فلسفه، عرفان و حدیث) تماس داریم. ادبیات (به ویژه ادبیات عرفانی که شاهرگ ادب فارسی است) و تاریخ نیز از زمینه های مطالعاتی مورد علاقه من بوده اند. البته آب این دریاها را که نمی توان کشید. اما هنوز به قدر تشنگی هم از آن نوشیده ام. به تازگی مطالعه فلسفه غرب و رمان خواندن هم بخشی از اوقاتم را پر می کند.

**شعر: به عنوان سؤال آخر بگو که از مسئولین و سیاست گذاران فرهنگی کشور چه توقعی داری؟**

سیار: مهم ترین توقع من از سیاست گذاران فرهنگی کشور این است که درست انتخاب شوند.

